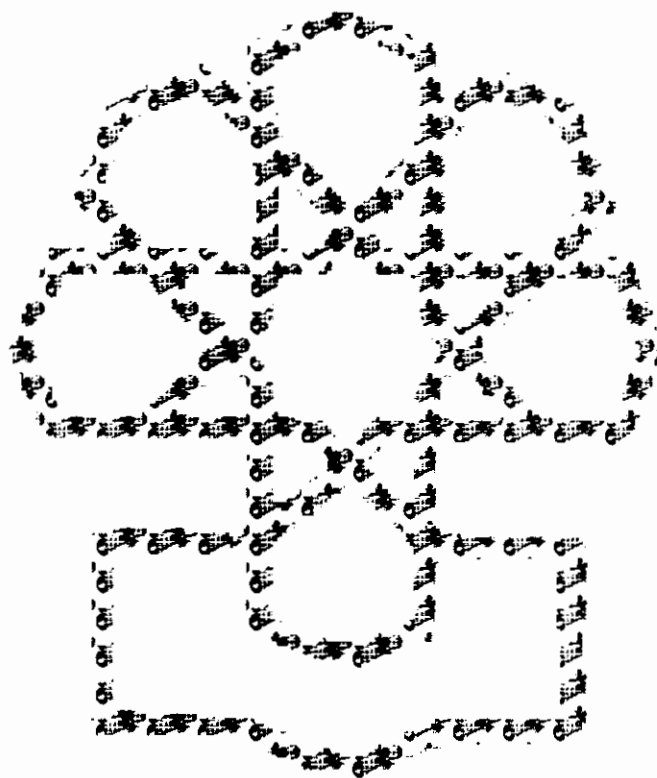


سخنی پیرامون روز معلم

(با نگاهی به قضیه نظام آموزش متوسطه)



معاونت پژوهشی
اردیبهشت ۱۳۷۷

کار: گروه خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۱۰۳۲۶۰

بسمه تعالی

سخنی پیرامون روز معلم
(با نگاهی به قضیه نظام آموزش متوسطه)

کد گزارش: ۴۱۰۳۲۶۰

مقدمه

قال رسول الله (ص): اقرب الناس من درجة النبوه اهل العلم و الجهاد
نزدیک ترین مردم به انبیاء از نظر درجه، اهل علم و جهاد هستند.
تمام انبیای الهی برای نجات بشریت از جاهلیت مبعوث شدند و این حرکت بدون دگرگونی فرهنگی و
تحول در مسئله تعلیم و تربیت معنا ندارد. قبل از رسالت انبیای الهی نظام فکری و فرهنگی جامعه بر مبنایی
قرار داشت که حاصلی جز جهل و ظلمت به همراه نمی آورد. لذا خداوند بر مردم به ویژه مؤمنین منت
گذاشت و رسولی از بین آنان برانگیخت تا آیات خدا را بر آنها بخواند و آنها را تزکیه کند و کتاب و حکمت
بیاموزد.

آگاهی به هر امری از امور، چه مادی و چه معنوی، پرده‌ای از جهل را برطرف می‌کند و مرتبه‌ای از
معرفت برای انسان ایجاد می‌کند. در روایات داریم که اگر کسی به علمش افزوده شود ولی بعد معرفت‌اش
رشد نکند عالم نیست و بر دوری‌اش از خدا افزوده می‌شود. پس آن علمی سودمند است که در کنارش تعهد
علمی باشد و روایت شده که برای علم‌آموزی، نزد کسی که خود از علمش بهره‌مند نشده، نرو. چون اگر
علمش برای خودش سود نیاورد، به تو نیز سودی نمی‌بخشد.^۱ بنابراین خود علم نیز مزکی و غیر مزکی دارد و
علمی مفید است که از مجرای پاک گرفته شود. یعنی اگر معلم بر متعلم حتمی است.

لذا خداوند رسالت تعلیم بشریت را به عهده انبیای الهی که پاک‌ترین مردم بودند - گذاشته است و کسی
که بخواهد چنین وظیفه‌ای را انجام دهد بر مسند انبیاء نشسته است و آن کسی که نزدیک‌ترین درجه به انبیاء
را پیدا می‌کند عالمی است که علمش نافع شده و بر درجه معرفتی او افزوده و همچون درختی بار داده و
دیگران را بهره‌مند گردانده است. این معلم هم تراز مجاهده راه خداست که جان خود را برای دفاع از حریم
الهی نثار می‌کند. زمانی معلم از این مرتبه هم پافراتر گذاشته و چنان در تعلیم مردم مؤثر می‌گردد که قلمش
افضل از خون شهدا می‌گردد چنان‌که مطهری چنین گشت. شهید آیت‌... مطهری یک معلم تمام عیار بود که
پس از مجاهدت علمی و کسب معارف الهی به میان مردم آمد و چنان اثری در آموزش و پرورش جامعه بر
جای گذاشت که دشمن برای خاموشی او و محروم کردن مردم از تفکر بی‌همتایش چاره‌ای جز شلیک گلوله
به مغزش نیافت. چرا که در مقابل منطق الهی هیچ خدعه‌ای کار ساز نیست و آن‌گاه که مردم این منطق را
دریابند و از ثمره‌اش بهره‌مند گردند راه‌های شیطانی به جایی نخواهد رسید.

۱- مطهری، معلم انقلاب اسلامی

در انقلاب اسلامی ایران چهره‌های بی‌مانندی پرتو افشانی کردند ولی چرا مطهری معلم انقلاب شناخته شد

۱. لا تعلم العلم بما لا ینفع به فان لم ینفعه علمه لا ینفک.

و روز شهادتش به عنوان روز معلم تعیین گردید؟

شاید بتوان با نگاهی به عصر مطهری و نقش آن بزرگوار در حوادث دوران و بررسی شخصیت این شهید از دیدگاه امام و رهبر انقلاب به رمز این موضوع پی برد.

مطهری در زمانی می زیست که تفکر مادی و سکولاریستی در ایران حاکمیت داشت. این وضعیت به ویژه پس از عقب ماندگی کشور از قافله تمدن - که به دلیل حاکمیت سلاطین جور اتفاق افتاده بود - و در نهایت با شکست ایران در جنگ های دوگانه با روسیه چهره نموده بود. در شرایط نامناسب فرهنگی، اقتصادی و سیاسی داخلی از یک سو و تهاجم گسترده و حساب شده دشمن از سوی دیگر، نگاه بسیاری از روشنفکران به خارج دوخته شد و متاع فرهنگ و تمدن غرب از مجاری مختلف به ایران سرازیر شد. در این شرایط واکنش های مختلفی نشان داده شد. عده ای با پذیرش کامل فرهنگ غرب راه تقلید و تشبه به غرب را پی گرفتند و به ترویج فرهنگ سکولاریسم پرداختند.

گروه دوم بانفی تمامی مظاهر تمدن غرب به مقابله با آن پرداختند و به گونه ای دیگر راه انحراف و تحجر را پیمودند. در این دوران گروهی دیگر با دستاوردهای غرب برخورد گزینشی نمودند و قائل به گرفتن آثار مفید تمدن و طرد عناصر مخرب آن گشتند. امام خمینی و برخی بزرگان این باور را داشتند که باید تمدن اسلامی احیا گردد و در این راه باید در دستاوردهای فرهنگ غربی تصرف شده و عناصر مفید آن به خدمت دین گرفته شود.

در چنین دورانی که با حاکمیت سلسله وابسته پهلوی همراه بود. حکومت با هدایت خارجی و به کمک روشنفکران غرب زده تهاجمی همه جانبه بر فرهنگ و باورهای این ملت را تدارک دید تا با تخلیه او از هویت دینی، فرهنگ غربی را به عنوان تنها راه علاج ملت جایگزین کردند.

در این شرایط از یک سو تئوری ها و شبهات مارکس و پیروانش در ایران منتشر می گردید و از سوی دیگر تفکر و آثار سکولاریسم عرضه می شد. امام خمینی با روشن بینی تمام این میدان را زیر نظر گرفت و با طرح حکومت اسلامی و تربیت و تعلیم شاگردانی مستعد نهضتی بزرگ را پایه ریزی کرد. در نبرد اندیشه اسلامی با نظام فکری و شبهات غرب، مطهری به مثابه تک سواری برومند به میدان آمد و غارتگران فکر و اندیشه را یک به یک بر زمین زد. زمانی که افکار مادی اردوگاه مارکسیسم ترک تازی می کرد با تقریر اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه طباطبایی و استمرار این خط قشون کفر شرقی را خلع سلاح کرد و آن گاه که تفکر غربی با مظاهر فرهنگی اش برای محو هویت اسلامی پیش می آمد با سری جهان بینی، مسئله حجاب، عدل الهی، انسان و سرنوشت و بسیاری آثار ارزشمند دیگر دشمن را متوقف ساخت. استاد با آن مقام علمی والا با بیانی شیوا و ساده به تبیین مسائل برای عالم و عامی می پرداخت و از هر جبهه ای برای دفاع از اسلام بهره می گرفت.

زمانی که مجله زن روز با تمام ابزار برای ترسیم الگوی غربی برای زنان ایران پیش می راند و چهره های مختلف به زعم خود آخرین تیرها را برای محو اسلام پرتاب می کردند، علامه مطهری در اقدامی غیرمنتظره شجاعانه به نقد شبهات و پاسخ در همان مجله اقدام نمود که اثری والا برجای گذاشت. هنگامی که تفکر اسلامی با مجاهدت های عالمان دینی مجدداً به صحنه آمده بود، یورش جدیدی برای رخنه به فکر جوانان با فرهنگ و ایدئولوژی التقاطی شکل گرفت. مرد این میدان هم کسی جز این بزرگوار نبود که آنچنان عرصه را بر خصم تنگ نمود که راهی جز تحریم مجالس و آثار او نیافتند و بالاخره در کمال زبونی برای خاموش

ساختن استاد او را به شهادت رساندند تا دنیایی را از زلال معارف متصل به وحی محروم گردانند. اما عالم نمی‌میرد و در این عالم ادامه حیات دارد چرا که با انتقال علوم خود، به انسان‌های دیگر حیات بخشیده و آنان را دنباله وجود خود ساخته است.

علی (ع) می‌فرماید: العالم حی و ان کان میت. الجاهل میت و ان کان حی
عالم زنده است اگر چه موت طبیعی برای او حاصل شود و جاهل مرده است اگر چه مرگ طبیعی او نرسیده باشد.

روشن است که مهاجمان پس از شهادت استاد تمام کوشش خود را صرف محو آثار و زدودن اندیشه‌های او بنمایند و با عرضه محصولات بدلی دوست‌داران معرفت را از راه مستقیم منحرف گردانند. امام خمینی با درک روشن این مطلب با تجلی بی‌نظیر از استاد مطهری، در اولین سالگرد شهادت ایشان فرمودند:

«من به دانشجویان و طبقه روشنفکران متعهد توصیه می‌کنم که کتاب‌های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه‌های غیراسلامی فراموش شود.»

امروز دوباره تهاجم فرهنگی غرب شدت گرفته و اینان تلاش دارند تا با خالی کردن میدان از مردان بزرگ اسلام، ضربه‌ای دیگر وارد سازند. امروز دیگر اثر حکومت اسلامی را هم دیده‌اند که می‌تواند چون چراغی درخشان بر ملت‌های دیگر پرتو افشانند و راه را از بند و هدایت را به آنان بنمایانند. فهمیده‌اند که رهبری اسلامی در سند نیابت امام زمان نقشه‌های آنان را برای ملت‌ها آشکار می‌سازد و پرده از توطئه‌ها برمی‌دارد. چشیده‌اند که چگونه با رهنمودهای امام‌المسلمین امت اسلامی به وجد درآمده و حرکت می‌کند و حتی بر ملل غیرمسلمان اثر می‌گذارد. لذا تهاجم امروز برای شکست اسلام و خالی کردن آن از محتوا گسترده‌تر و حساب شده‌تر از پیش است. در این شرایط باید سواران اندیشه اسلامی با الگوگرفتن از تک‌سوار رشید انقلاب به میدان بیایند و با مجاهدت در عرصه آموزش و پرورش این کشور اسلامی، با ساختن انسان‌هایی برجسته، با حفظ هویت و فرهنگ اسلامی در راستای رشد و تعالی این ملت قدم بردارند.

۲- آموزش و پرورش ایران

گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد (سال ۱۹۹۶) مبین این واقعیت است که مهم‌ترین سرمایه یک کشور، نیروی انسانی آن است که ۶۴ درصد ثروت یک کشور محسوب می‌شود. بدیهی است که نیروی انسانی در محاسبات اقتصادی کشور، زمانی ارزش می‌یابد که در بعد آموزشی مراحل لازم را طی کرده و از نظر تخصص و مهارت به درجات مطلوب رسیده باشد. مراکز عالی آموزشی و همچنین مراکز فنی و حرفه‌ای به میزان بالایی وابسته و مرسوم فعالیت‌های آموزش و پرورش کشور هستند و حتی در آموزش و پرورش، دوره‌های ابتدایی نقشی بسزا دارند. به طوری که تحقیقات سازمان یونسکو نشان می‌دهد ۸۷ درصد از افرادی که دارای تحصیلات عالی هستند کسانی هستند که تحصیلات درخشان در دوره ابتدایی داشته‌اند.

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شکل‌گیری توجه شایانی به امر آموزش و پرورش در دو بعد ریشه‌کنی بی‌سوادی و همچنین رشد کیفی آموزش‌ها داشته است. آمار ارائه شده از سوی برنامه توسعه سازمان ملل مبین این واقعیت است که جمهوری اسلامی ایران با رشد ۴۰ درصد نرخ سواد بزرگسالان در فاصله

سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۴ مقام اول را در بین ۹ کشور مورد بررسی کسب نموده است. با توجه به نرخ ۲۹ سواد در سال ۱۹۷۰ می توان به عقب ماندگی گذشته و فعالیت عظیم انجام شده پی برد.

اگر چه در حال حاضر نسبت باسوادی در ایران به ۷۹/۵ درصد رسیده است و تا محو کامل بی سوادی به فعالیت بیشتری نیاز است ولی نقطه روشن این است که در سال ۱۳۷۵ نسبت باسوادی در گروه های سنی ۶ تا ۱۹ ساله - که به گروه لازم التعلیم موسومند - به ۹۴/۵ درصد رسیده است که این رقم در زبان رسمی آماری به معنی ریشه کن شدن بی سوادی در گروه مذکور است.

بدین ترتیب می توان امیدوار بود که با حفظ وضع موجود از لحاظ نسبت باسوادی در گروه لازم التعلیم، ورودیه به جامعه بزرگسالان بی سواد تا حد زیادی مسدود شده باشد.

جدول درصد رشد باسوادی گروه های سنی طی ده سال گذشته نشان می دهد که بیشترین رشد در میزان با سوادی بین گروه سنی ۲۰-۲۵ ساله تا ۳۵-۳۹ ساله در سال ۱۳۶۵ و همین گروه که ۳۰-۳۵ تا ۴۵-۴۹ ساله ها در سال ۱۳۷۵ هستند واقع شده است.

در کل، نسبت با سوادی در سال ۱۳۶۵، ۶۱/۹ درصد (۷۱/۴ درصد برای مردان، و ۵۱/۹ درصد برای زنان) و در سال ۱۳۷۵، ۷۹/۵ درصد (۸۴/۷ درصد برای مردان و ۷۴/۲ درصد برای زنان) گزارش شده است.

درصد رشد باسوادی گروه های سنی طی ده سال

گروه سنی	سال	جمعیت	تعداد باسواد	میزان باسوادی (درصد)	درصد رشد باسوادی در هر گروه سنی
۱۵-۱۹	۶۵	۵۲۲۶۹۱۷	۴۱۱۱۲۵۴	۷۸/۷	۷/۷
	۷۵	۴۷۰۹۱۵۴	۴۰۶۷۲۸۱	۸۶/۴	
۲۰-۲۴	۶۵	۴۲۱۴۳۰۹	۳۰۰۷۹۹۰	۷۱/۴	۹/۵۵
	۷۵	۳۹۸۰۰۶۶	۳۲۲۱۹۱۳	۸۰/۹۵	
۲۵-۲۹	۶۵	۳۶۵۸۹۶۹	۲۲۲۹۵۵۵	۶۰/۹	۱۲/۳
	۷۵	۳۵۷۱۷۷۹	۲۶۱۳۶۳۶	۷۳/۲	
۳۰-۳۴	۶۵	۲۹۱۹۴۱۵	۱۵۶۵۱۶۸	۵۳/۶	۱۲
	۷۵	۲۸۱۲۰۸۶	۱۸۴۴۵۳۱	۶۵/۶	
۳۵-۳۹	۶۵	۲۱۲۰۴۸۷	۹۶۵۵۴۹	۴۵/۵	۱۰/۵
	۷۵	۲۰۱۳۰۴۰	۱۱۲۷۱۴۱	۵۶	
۴۰-۴۴	۶۵	۱۶۶۷۰۰۶	۶۴۲۰۴۵	۳۸/۵	۸/۵
	۷۵	۱۵۲۹۰۷۸	۷۱۹۱۱۱	۴۷	
۴۵-۴۹	۶۵	۱۵۹۳۳۶۴	۴۷۶۴۱	۲۹/۹	۶/۹
	۷۵	۱۳۶۶۷۲۸	۵۰۲۲۷۸	۳۶/۸	

۳- نظام جدید آموزش و پرورش

موضوع تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۴ پس از تصویب شورای

عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد و وزارت آموزش و پرورش موظف گردید که طرح نظام جدید آموزش و پرورش را برای بحث و بررسی و تصویب به این شورا تقدیم نماید و به همین منظور دستور تشکیل شورای تغییر بنیادی آموزش و پرورش را صادر کرد. شورای یاد شده طرح پیشنهادی را در سال ۱۳۶۶ تهیه نمود و به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم نمود که در نهایت این طرح در خرداد ماه سال ۱۳۶۷ با نام «طرح کلیات تغییر نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» به تصویب رسید.

در راستای عملیات شورای تغییر نظام آموزش و پرورش - موضوع تبصره ۱۴ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - لایحه تغییر نظام آموزش و پرورش در مجلس شورای اسلامی مطرح می شود که لایحه در مجلس دنبال نمی گردد و در نهایت طرح در شورای عالی انقلاب فرهنگی با ایجاد سه هیئت تصویب می شود که عبارت بودند از:

۱- شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش؛

۲- هیئت اجرایی آموزش و پرورش متوسطه نظام جدید؛

۳- هیئت نظارت بر اجرای نظام جدید آموزش و پرورش کشور.

متأسفانه از همان ابتدا تغییراتی در اجرای این مصوبه از سوی وزارت آموزش و پرورش انجام گرفت که از جمله می توان حذف تعدادی از اعضای شورا به ویژه معاونت پرورشی را نام برد که مورد اخیر به دلیل حذف و یا کم رنگ شدن مسائل پرورشی در شورا انجام گرفت که این موضوع طی نامه وزیر وقت آموزش و پرورش به ریاست محترم وقت و با دلیل عدم سنخیت بسیاری از مسائل مطروحه در شورا با مسئولیت های معاونت پرورشی عنوان شده بود.

در نهایت شورای تغییر نظام به دو گروه برای تغییر نظام آموزش و پرورش متوسطه و نظام آموزش و پرورش عمومی (ابتدایی ایجاد و راهنمایی) تقسیم گردید. در گروه اخیر معاون پرورشی وزارت پذیرفته نشد تا عرصه فعالیت تغییر نظام آموزش و پرورش متوسطه بیشتر جنبه آموزشی به خود بگیرد. با کم رنگ شدن ماهیت تربیتی و پرورشی تغییر نظام، عنوان فعالیت هم به نام «تغییر نظام آموزش متوسطه» اعلام گردید.

بنابراین نظام جدید متوسطه که با هدف از بین بردن تنگناهای نظام قدیم شامل:

۱- نداشتن پوشش مناسب بر جمعیت دانش آموزی این دوره؛

۲- ناتوانی در نگه داری دانش آموزان؛

۳- تراکم دانش آموزان در دو رشته انسانی و تجربی؛

۴- ترک تحصیل؛

۵- تکرار پایه و افزایش طول مدت تحصیل؛

۶- تربیت همه دانش آموزان متوسطه برای آموزش عالی؛

۷- ترکیب نامتوازن دروس و نیاز به دبیر تخصص؛

۸- وابستگی ارزش دروس به یکدیگر طراحی شده بود، ضمن برطرف نمودن برخی از مشکلات فوق،

تنگناهای جدیدی ایجاد کرد که منجر به یک مسئله اجتماعی گردید.

شاید مهم ترین مشکل نظام جدید کم توجهی به تربیت دینی بوده است. کما این که در یکی از نظرسنجی های انجام شده از جامعه مدیران و مربیان پرورشی دبیرستان های نظام جدید، ۷۱ درصد افراد

نمونه معتقد بودند که به ترتیب دینی اصلاً توجهی نشده و مورد غفلت اساسی واقع شده است. این در حالی است که اصلاً یکی از اهداف اصلی نظام آموزش و پرورش کشور گسترش و تعمیق معارف اسلامی و ایجاد تربیت اسلامی است تا استعدادها و عواطف فکری جوانان کشور شکوفا شده و رفتار و شخصیت آنان در راستای متجلی ساختن ارزش های دینی هدایت گردد. چنانکه حضرت امام خمینی در تبیین این مطلب می فرماید:

«اگر خدای نخواست در دبستان های ما که بچه ها می روند ... و در دبیرستان هایمان که جوان ها می روند، تهذیب نباشد و ادب اسلامی در کار نباشد و از علوم اسلامی و احکام اسلامی خبری نباشد رو به زوالیم». همچنین ۷۳ درصد گروه مورد بررسی معتقد بودند که در نظام جدید توجه خاصی به مسائل پرورشی نشده است.

مسئله مهم دیگر ایجاد اوقات فراغت دانش آموزان در خلال ساعات آموزش است که چون نظم و برنامه خاصی ندارد دست اندرکاران را در نوعی سرگردانی فرو برده است. بی نظمی در ورود و خروج و وجود چندین گروه دانش آموزان در سنین مختلف و رشته های غیر مرتبط، امکان هدایت و برنامه ریزی را با مشکلات متعدد مواجه ساخته است. به طوری که بنا به نظر ۸۳ درصد از گروه مورد مطالعه، افزایش مشکلات و مسائل اخلاقی به دلیل رها بودن دانش آموزان مشاهده شده است.

در نظر سنجی دیگری که در مهرماه سال ۱۳۷۵ در مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «بررسی مسئله اوقات فراغت در نظام جدید آموزش متوسطه» در ۱۰ منطقه آموزشی شهرهای اصفهان و تهران انجام گرفت چنین نتیجه گرفته شد که «پراکندگی ساعت کلاسی و رفت و آمد دانش آموزان به دبیرستان های دیگر باعث اختلال در نظم و انضباط دبیرستان ها شده است و امور تربیتی در زمینه پرکردن اوقات فراغت دانش آموزان مؤثر و موفق نبوده و بالعکس پراکندگی ساعات حضور دانش آموزان در دبیرستان باعث کم رنگ شدن فعالیت های پرورشی شده است».

بر اساس این مطالعه از نظر مدیران و مربیان مهم ترین و رایج ترین مشکلات دانش آموزان در حین گذراندن اوقات فراغت انجام اعمال خلاف اخلاق در خارج از دبیرستان و افت تحصیلی بوده است. به هر صورت پس از گذشت ۷ سال مجلس شورای اسلامی طرح را غیرقانونی اعلام نمود و خواستار ارائه طرح پیشنهادی به مجلس گردید و مقرر گردید که طرح پیش نویس لایحه تغییر نظام ظرف مدت ۶ ماه به مجلس تقدیم گردد.

امید است با رفع مشکلات نظام جدید در لایحه پیشنهادی و کارشناسی مجلس شورای اسلامی بتوان ضمن قانون مند کردن تغییر نظام آموزشی گام هایی استوار در راستای شکوفایی استعدادهای دانش آموزان کشور بر مبنای تربیت دینی برداشته شود.